



## ادامه اعتراضات

### در آلمان

### به برنامه ارتجاعی

### هارتز ۴

در صفحه ۸



## "هارتز ۴" (Hartz IV) و معضل بیکاری در کشور آلمان

"بادی تازه می وزد، امواج آن حرکت و شور می آفرینند. دانه ها در زیر خاک رو به زندگی می آورند و جوانه ها بر روی خاک رو به نور." (لنین: مجموعه آثار (به زبان آلمانی)، جلد ۱۰، صفحه ۴۹۱ / ۴۹۰)

روز دوشنبه، ۲ آگوست، ۱۰ هزار تظاهرکننده، مانند رودی در خیابان های شهر ماگدبورگ آلمان جاری شدند و اعتراض خود را به قانون هارتز ۴، به فریاد درآوردند. ۲۳ آگوست موج حرکت بیش از ۲۲۰.۰۰۰ انسان، که از وحشت از آینده به خشم آمده اند، در ۱۹۴ شهر آلمان به سیلی تبدیل شد، که در حال حاضر در سراسر آلمان، به حرکت درآمده و دیگر به راحتی قابل مهار نیست.

امروز بار دیگر نوبت طبقه ی کارگر و زحمتکش آلمان است که در کنار طبقه ی کارگر جهانی، ضربات پُتک نظام سرمایه

در صفحه ۳

## این، سانحه ی ناشی از کار نیست، قتل عمد است!

برش ورق، دست حسینعلی رجبی را که در سالن پرس شماره ۳ ایران خود رو مشغول به کار بود، قطع کرد! حسینعلی رجبی کارگر پیمانکار پارک های صنعتی ایران خودرو بود که همچون صدها کارگر دیگر، بدون آموزش و به عنوان کارگر خدماتی جذب این شرکت شده و بلافاصله در سالن های ریخته گری و پرس، بدون آن که در این زمینه ها کمترین آموزشی دیده باشد، به کار گرفته شده بود که او نیز قربانی آزمندی ها و طمع کاری های سرمایه داران شد.

سیاست صرفه جویی و کاهش هزینه ها به حساب کارگران، یکی از پدیده های رایج شیوه تولید سرمایه داری برای افزایش سود است. صرفه جویی در شرایط کار به

در صفحه ۲

محمود محمودی کارگر ایران خود رو (ایران ناسیونال سابق) روز چهارشنبه ۲۸ مرداد، هنگام رانندگی، در برخورد با یک کفی تریلی، جان خود را از دست داد. رنگین شدن چند باره کف کارخانه از خون یک کارگر زحمتکش دیگر، بار دیگر ایران خودرو را به مثابه قتلگاه کارگران برسر زبان ها انداخت. با مرگ محمود محمودی که مدت ها در خط صندلی سازی کار کرده بود و به دنبال اعمال سیاست کاهش هزینه ها توسط مدیران و مسئولین شرکت ایران خودرو، و آگذاری بخش های مختلف آن به شرکت های پیمانکاری، منجمله انتقال صندلی سازی به "مهرکام بارس"، به حراست منتقل شده بود، صف قربانیان ایران خودرو، طولانی تر شد. چند روز پس از آن، دستگاه گیوتین

## آلبرت سهرابیان درگذشت

آلبرت سهرابیان، یکی از فعالین جنبش کارگری، روز شنبه، ۲۱ شهریور ماه درگذشت. آلبرت فعالیت سیاسی خود را در دهه ۲۰ آغاز کرد و جزء آن گروه از مخالفین حزب توده بود که هسته های کمونیستی یا کروژک را تشکیل دادند. وی سپس از بنیان گذاران ساکا و عضو رهبری آن بود. با دستگیری اعضای ساکا توسط ساواک، آلبرت، چند سال از عمر خود را در زندان های رژیم شاه گذراند. در دوران پس از قیام، یکی از فعالین سندیکای کفاشان بود. با تشدید سرکوبگری های رژیم جمهوری اسلامی، به خارج از کشور مهاجرت نمود و به فعالیت های خود ادامه داد.

یادش گرامی باد!

### در این شماره

۲ اخباری از ایران

۴ اخبار کارگری جهان

## این، سانحه‌ی ناشی از کار نیست، قتل عمد است!

### اخباری از ایران

#### تجمع اعتراضی کارگران در کاشان

روز یکشنبه ۱۵ شهریور، نزدیک به ۱۵۰ تن از کارگران واحدهای صنعتی مختلف در کاشان، در اعتراض به محاسبه نشدن مدت بیمه بیکاری در شمول کارهای سخت و زیان آور، در محل سازمان تامین اجتماعی این شهر دست به تجمع زدند. این کارگران روز دوشنبه ۱۶ شهریور نیز به اعتراض خود ادامه دادند و با تجمع در دفتر رئیس تامین اجتماعی، خواستار احقاق حقوق خود شدند. کارگران هشدار دادند چنانچه به خواست آنان رسیدگی نشود، روزهای بعد نیز به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. به دنبال این هشداروی پاسخ ماندن خواست کارگران، آنان روز چهارشنبه ۱۸ شهریور ماه نیز بار دیگر دست به اعتراض زدند و خواستار تحقق مطالبات خود شدند. کارگران تهدید کردند، در صورت عدم توجه به خواست آنها، به اعتراضات و تجمعات اعتراضی در هفته آینده نیز ادامه خواهند داد.

#### تحصن کارگران شوافز البرز

صاحبان شرکت "شوافز البرز" که طی دو سال اخیر به تدریج بیش از صد کارگر این شرکت را اخراج کرده بودند، سرانجام این شرکت را منحل اعلام کردند. ۲۶ کارگر باقی مانده این شرکت پس از یک سال بلاتکلیفی و سرگردانی، با پرداخت سالی یک ماه حقوق، اخراج شدند. این موضوع مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت که در این رابطه اقدام به برپایی تحصن کردند.

#### کارگران جاده را مسدود کردند

روز چهارشنبه یازدهم شهریور، کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی فومنا، نسبت به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق خود و نداشتن ضمانت شغلی، دست به اعتراض زدند. کارگران جاده رشت- فومن را به مدت چند ساعت مسدود ساختند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

#### اعتراض مجدد کارگران

##### ریسندگی فومنا

کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی فومنا،

این کارخانه، درحین انجام کار، جان خویش را از دست داده اند.

تقی رضی لو در شهریور ماه ۸۲، حسین صادق زاده خاتمیری و فریدون گلستانی کارگران پیمانکار "تکنیکان" در حادثه اتاق رنگ، امید اولادی کارگر ۲۲ ساله سالن برش و پرس که در اثر فشار کار، نیمه شب و در حین کار بیهوش گردید و جان باخت، وحید امینی، یاسر یوسفی کارگر پرس، حسین قاسمی کارگر خط تعمیرات پرس، حسین مویدی کارگر سالن قالب جیکس، از جمله قربانیان بی شمار نظام سرمایه داری تنها در شرکت ایران خودرو هستند آنهم تنها در ظرف کمتر از یک سال!

خبرگزاری کار ایران- ایلنا، از قول مدیرکل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرد که تنها در سه ماهه اول سال جاری ۹۶۵ مورد حادثه در بخش صنعت ۷۴۱ مورد در بخش ساختمان و ۴۱ مورد حادثه در بخش کشاورزی گزارش شده است. همین خبرگزاری قبلاً گزارش داده بود که سالانه ۱۴ هزار سانحه ناشی از کار اتفاق می افتد.

صرف نظر از پدیده شیوع و گسترش خودکشی در میان کارگران که این نیز ثمره تشدید فشار سرمایه داران بر کارگران برای کسب سود بیشتر می باشد نمونه های آن را در بافکار و چیت ری و برخی واحدهای دیگر شاهد بوده ایم، مرگ عبدالرضا مولائی کارگر معدن زغال سنگ کرمان، منوچهر ذبیح زاده کارگر معدن زغال سنگ البرز، مصطفی، کارگر رادیاتور سازی در شهر بوشهر، احمد احمدیان کارگر معدن سنگ در منطقه منگوری پیرانشهر، محمد صدیق زندی کارگر نساجی شاهو که دچار سرطان ریه شده و در حین کار جان داد، مرگ ۷ کارگر معدن زغال سنگ نور درمازندران و به تازگی مرگ ۴ کارگری که در اثر فروریختن دیوار یک تونل در حال احداث در مسیر جاده جاجرود جان باختند و دهها و صدها مورد دیگر که خبر آن در هیچ جایی انعکاس نمی یابد، نشانگر ابعاد وسیع حوادث ناشی از کار و جنایات سرمایه داران است.

اگر کارگری از این اقبال برخوردار باشد که درحین کار دچار مرگ و نقص عضو و معلول نشده باشد و در عین حال به سن بازنشستگی برسد، از قیل سالیان متمادی کار در محیط های آلوده، ناسالم و مسموم، به انواع بیماریهای سرطانی و بیماری های ریوی غیرقابل علاج، و به تعبیر دیگر دچار مرگ تدریجی اما زودرس می شود. وضعیت کارگران بازنشسته ی شرکت سهامی روغن نباتی ناز اصفهان تنها یک نمونه است که وضعیت کارگران بازنشسته

ویژه در جمهوری اسلامی که کارگران از ابتدایی ترین حقوق دمکراتیک و از تشکل های مستقل خویش به مثابه سازماندهی مبارزه کارگران برای احقاق حقوق خویش و مقاومت دستجمعی آن ها در برابر اجحافات سرمایه داران محرومند، روزانه به نقص عضو، ابتلاء به بیماری های مرگ زا و کشته شدن دهها و صدها کارگر منجر می گردد. در این جا به یمن سیاست های ضد کارگری جمهوری اسلامی، سرمایه داران مرزهای متعارف سرمایه داری را نیز پشت سر گذاشته اند و در تشدید فشار و استثمار وحشیانه کارگران دستشان کاملاً باز گذاشته شده است. هیچ مانع و رادعی در تبدیل کارگاهها و کارخانه ها به واحدهای کوچک و بزرگ "برده داری مدرن" و گشتارگاه کارگران وجود ندارد. در این جا سرمایه داران کارخانه ها و مراکز تولیدی و صنعتی را به شرکت های پیمانکاری واگذار می کنند و این شرکت ها البته هیچ تعهد و مسئولیتی را در قبال کارگران در هیچ زمینه ای، نه شرایط کار، نه آینده شغلی و بیمه بیکاری کارگران و نظیر آن، نمی پذیرند. این پدیده که از چند سال پیش در ایران خودرو نیز رواج یافته است، اکنون به اکثر قسمت ها و بخش های این شرکت تعمیم و گسترش یافته است. با واسطه ی شرکت های متعدد پیمانکاری، و قراردادهای سفید امضا و استخدام موقت کارگران، سرمایه داران نه فقط از این طریق حق و حقوق کارگر را ضایع می کنند و وی را از حقوق یک کارگر رسمی محروم می سازند و بدین شیوه، در هزینه ها صرفه جویی و برسود خودمی افزایند، بلکه در عین حال از صرف حتما ضروری ترین هزینه ها برای آموزش کارگران و برای تامین بهداشت و ایمنی محیط کار نیز سرباز می زنند. جوع سرمایه داران برای افزایش سود و بی مبالاتی انکارناپذیر آنان در مورد آموزش کارگران و در مورد بهداشت و ایمنی محیط کار، میزان سوانح در کارخانه ها، معادن، بخش های ساختمانی و سایر بخش ها را به میزان وحشتناکی افزایش داده است. ایران خودرو تنها یک نمونه و جزیی است از یک مجموعه که از این جزء اما می توان به ابعاد تکان دهنده جنایات سرمایه داران در مقیاس سراسری پی برد. در ایران خودرو علاوه بر آن که دهها و صدها کارگر دچار نقص عضو و یا قطع عضو شده اند و یا در محیط های تنگ و فضای آلوده، به بیماریهای ریوی و تنفسی، بیماری ها حوئی و سایر بیماریهای مرگ زا مبتلا شده اند و سلامتی آنها از این ناحیه به طور جدی به خطر افتاده و یا به مرگ زودرس این کارگران منجر شده است، ظرف کمتر از یک سال ۸ تن از کارگران

## اخباری از ایران

در ادامه مبارزات اعتراضی خود، روز شنبه ۱۴ شهریور بار دیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر اداره کل صنایع استان گیلان و نیز تجمع در برابر خانه کارگر، خواستار پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و رسیدگی به سایر خواست ها و مطالبات خود شدند.

شایان ذکر است که ۵۰۰ کارگر این کارخانه، پس از واگذاری آن به بخش خصوصی، در حال بلاتکلیفی به سر می برند. کارگران ریسندگی و بافندگی فومنات که شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند، در تجمع اعتراضی خود هشدار دادند چنانچه ظرف یک هفته به مشکلات آنان رسیدگی نشود، همراه اعضای خانواده ی خود، دست به تجمع و تحصن خواهند زد.

### تجمع اعتراضی کارگران در بندر عباس

روز سه شنبه ۱۷ شهریور کارگران بندر عباس در اعتراض به عملکرد سازمان تامین اجتماعی از جمله در زمینه ی، عدم اجرای قانون بازنشستگی کارگران با ۲۵ سال سابقه کار، بازنشستگی پیش از موعد و عدم احتساب سنوات سربازی جزو سنوات کاری، دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. کارگران در پایان اجتماع اعتراضی خود، قطعنامه ای نیز در این باره صادر کردند.

### اعتصاب و تجمع کارگران در همدان

شمار زیادی از کارگران واحدهای صنعتی و خدماتی همدان، روز سه شنبه ۱۷ شهریور دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر سازمان تامین اجتماعی همدان، خواستار اجرای قانون بازنشستگی شدند. کارگران خواستار بازنشستگی پیش از موعد، آزادی شکل سندیکایی می باشند.

### اعتراض کارگران "سازمایه"

۳۰۰ کارگر شرکت "سازمایه" واقع در منطقه پاکدشت در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای خود دست از کار کشیدند. پس از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، آینده شغلی کارگران شدیداً به خطر افتاده است. کارگران طی چند روز اعتصاب، خواستار پرداخت سه ماه حقوق معوقه و ضمانت شغلی خود شدند.

### تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگران فضای سبز

## "هارتز ۴" (Hartz IV) و معضل بیکاری در کشور آلمان

را به ورطه ی خود می کشاند. طبق تعاریف اقتصادی بورژوازی، "فقیر" به کسی اطلاق می شود که درآمدش کمتر از میانگین درآمد در جامعه باشد. در جامعه ی آلمان، در سال ۲۰۰۲، این میانگین ۱،۱۷۷ یورو تعیین شده است، که طبق گزارش انسیتیو آلمانی برای تحقیقات اقتصادی در برلین (DIW) یک پنجم مردم آلمان بر مبنای این تعریف فقیر محسوب می شوند. در کنار آن اصطلاح ثروتمند به کسی اطلاق می شود که درآمدش بیش از ۱۵۰ درصد این میانگین باشد. اما این تعریف به خودی خود بیانگر تفاوت میزان درآمد و شکاف طبقاتی موجود در کشور آلمان نیستند. بررسی مشخص تر نشان می دهد که درآمد ده درصد از افراد دارای درآمد بالا بالغ بر ۴۵۰ یورو در سال ۲۰۰۳ و درآمد ۲۵ درصد از اقشار کم درآمد ۲،۴۹۰ یورو در سال و درآمد ۱۰ درصد، صفر می باشد، که اقشاری هستند که از کمک های دولتی زندگی می کنند. برای مشخص تر شدن این تفاوت کافی است به درآمد افرادی که در رأس موسسات اقتصادی قرار دارند اشاره کرد: رئیس بانک آلمانی (Deutsche Bank) ۷/۷ میلیون یورو در سال حقوق می گیرد و حقوق یورگن شرمپ، رئیس دایملر، بالغ بر ۴/۲ میلیون یورو در سال است. که کشور آلمان، یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است. سهم تولید ناخالص ملی در بین سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۳ از ۳۵۲ میلیارد یورو به ۲،۱۲۹ میلیارد افزایش یافته است، اما ثروت حاصله، در تصرف تعداد معدودی در می آید. در عین حال سه چهارم درآمد مالیاتی دولت را کسانی پرداخت می کنند که درآمد متوسط یا پایین دارند. در مقابل، مالیات بر سود که در سال ۱۹۷۰، در حدود ۱۶ درصد بود، اکنون به ۸/۴ درصد تقلیل یافته است. با اجرای قانون هارتز ۴ و حذف حقوق بیکاری، بیش از ۴/۵ میلیون انسان به جمعیت فقیرانی که درآمدها صفر است، افزوده می گردد. اگرچه اثرات منفی این قانون، اکثریت جامعه را، مستقیم و یا غیر مستقیم، دربر می گیرد، اقشاری هستند که به طور مستقیم سهم بیشتری از این بار را به دوش خواهند کشید. تقریباً دو سوم از بیکاران دراز مدت، بیش از ۵۰ سال سن دارند. برای این افراد (کسانی که برای جذب در بازار کار پیر هستند)، با گرفتن Arbeitslosengeld II به جای حقوق بیکاری، تنها حداقل سهم بازنشستگی از طرف دولت پرداخت می شود. این به معنای فقر در دوران پیری و بازنشستگی خواهد بود. پیرانی که درخانه

داری را بر بیکار خود حس کند. این پُتک قانونی، نام طراح خود، پیتر هارتز، یکی از مدیران موفق شرکت های بین المللی و عضو هیئت مدیره ی فولکس واگن در سال ۱۹۹۳، را بر خود دارد: "هارتز ۴". هدف قانون هارتز، که در چارچوب رفرم منطبق با سیاست های نئولیبرالیستی، طرح ۲۰۱۰، (Agenda ۲۰۱۰) تصویب شده است، رفرم و مدرنیسایون بازار کار آلمان اعلام شده است.

یکی از مهمترین جنبه های این قانون، جایگزینی حقوق بیکاری با اعانه ای به نام کمک بیکاری ۲ (Arbeitslosengeld II) برای بیکاران دراز مدت (کسانی که بیش از یک سال بیکار هستند) است. البته پرداخت این اعانه نیز تنها تحت شرایط خاصی انجام خواهد گرفت. به طور مثال این بیکاران حق ندارند پس اندازی بیش از ۷۵۰ یورو داشته باشند. مجموع دارایی آنان نباید از ۳۰۰۰ یورو بیشتر باشد، یعنی البته این مبلغ به طور مشخص برای هر سال زندگی فرد، ۲۰۰ یورو است، به طور مثال دارایی یک فرد ۳۰ ساله نباید بیش از ۶۰۰۰ یورو باشد که این شامل دارایی افراد خانواده بیکار نیز می گردد. بیمه های عمر و بازنشستگی که قیمت بازخرد آن ها بیش از این مبلغ است بایستی لغو شوند. مساحت خانه ی دریافت کنندگان، نباید از ۴۵ متر مربع برای یک فرد تنها، و ۱۲۰ متر مربع برای یک خانواده ی ۴ نفری، بیشتر باشد. طبق قانون جدید افراد و خانواده هایی که خانه هایشان بزرگتر از میزان مقرر است، بایستی در عرض ۶ ماه قرارداد اجاره ی خانه ی قبلی خود را لغو کنند. به این ترتیب خانواده های پر جمعیت را خطر بی خانمانی تهدید می کند، به ویژه که اصولاً یافتن خانه برای این خانواده ها بسیار مشکل است.

این اعانه تنها به افراد بین ۱۵ تا ۶۵ ساله ای تعلق خواهد گرفت که قادر باشند حداقل سه ساعت در روز کار کنند. بیکارانی که شغل های پیشنهادی از سوی اداره کار را نپذیرند، با کاهش یا قطع کمک هزینه بیکاری مواجه می شوند. حتی در صورت مرگ نیز دست از سر این بیکاران برداشته نخواهد شد؛ زیرا دولت حق دارد تا ۳ سال پس از مرگ بیکار، از وارثین او ادعای استرداد کمک های بیکاری پرداخت شده در طی ۱۰ سال گذشته را بنماید. اگر دارایی یک بیکار پس از مرگ از میزان معینی (که میزان آن در قانون معین شده) بیشتر باشد، وارثین درجه اول تنها حق دارند بخشی از دارایی او را تصاحب کنند.

به این ترتیب روند فقر روز افزون در آلمان شتاب می گیرد و انسان های هر چه بیشتری



### اعتصاب کارگران در پرو

روز ۲۶ اوت تمامی ۱۴۰۰ معدنچی معادن مس در منطقه Toquepala و Cuacone دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران در این اعتصاب افزایش دستمزد ها به میزان ۱۰٪ بود. مذاکرات بین نمایندگان کارفرما و کارگران که پس از چند دور با بن بست روبرو شد و در پی خود، آغاز این اعتصاب را به همراه داشت، مدتی کوتاه پس از آغاز این حرکت کارگران دوباره از سر گرفته شد. کارفرما تلاش دارد که کارگران را با اضافه دستمزدی کمتر از ۱۰٪ به سر کارها بازگرداند، اما اکنون، ۲ هفته پس از آغاز این اعتصاب، هیچ نشانی از عقب نشینی اعتصابیون در میان نیست و کارگران همچنان مصمم اند تا دستیابی به خواست خود به این اعتصاب ادامه دهند.

- مدت طولانی لازم نبود تا عواقب ناشی از خصوصی سازی عملیات استخراج طلا در معادن منطقه Cerro Quilish برای مردم شهر Cajameraca، که در نزدیکی این معادن قرار دارد، آشکار شود. با آغاز عملیات حفاری تمامی مواد سمی مصروف در سشتشوی طلای استخراج شده، به سوی منابع آب آشامیدنی این شهر سرازیر شد. با پخش این خبر موجی از خشم و تفرق تمامی شهر را در بر گرفت. روز ۸ سپتامبر، بیش از ۴ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان شهر دست به اعتصاب زدند. با آغاز این اعتصاب، هزاران نفر به خیابانهای شهر آمده و دست به راه پیمائی و تجمع در میدان اصلی شهر زدند. این اعتصاب تمامی مدارس، بانکها و مراکز دولتی و حمل و نقل شهری را به کلی به تعطیل کشاند. در همین روز، صد ها نفر از دهقانان بی زمین، جاده های منتهی به این معدن را مسدود نمودند. مردم خشمگین، از مقامات دولت خواستند که به فوریت بهره برداری از معادن این منطقه توسط شرکتهای خصوصی را متوقف سازد و عملیات حفاری را با همکاری اتحادیه های کارگران و شوراهای مردم منطقه انجام دهد.

### اعتصاب کارگران بنادر در نیوزیلند

۸ سپتامبر، روز آغاز اعتصاب ۴ روزه باراندازان بندر Auckland در نیوزیلند بود.

در این روز بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران بارانداز در پی به بن بست رسیدن مذاکرات خود با نمایندگان کارفرما با آغاز این اعتصاب در محوطه بندر دست به تجمع زده و خواستار افزایش دستمزدها و بهبود ایمنی کار خود شدند. در طول این اعتصاب چند کشتی باربری عظیم در این بندر به انتظار تخلیه بار خود به انتظار نشستند. یکی دیگر از خواسته های کارگران، توقف استخدام کارگران فصلی و موقت است. با افزایش بیش از پیش استخدام کارگران فصلی و موقت، کارفرما در تلاش است دستمزد دیگر کارگران را هم کاهش دهد. کارگران بارانداز در تمامی بنادر جهان از این اعتصاب حمایت نموده و از اعتصابیون خواستند که به مبارزه خود تا پیروزی کامل ادامه دهند.

### مبارزات معدنچیان در آفریقای جنوبی

روز ۸ سپتامبر بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران معدن ذغال سنگ Sasol در آفریقای جنوبی دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در اعتراض به مخالفت کارفرما با افزایش دستمزدها و بهبود شرایط ایمنی کار آغاز شد. چند روز پیش از آغاز این اعتصاب ۷ کارگر جان خود را در انفجاری در اعماق زمین از دست دادند. این واقعه دلخراش به روشنی نشاندهنده شرایط نا امن کار در این معادن است. پس از این واقعه تمام تلاش نمایندگان کارگران برای آگاهی از نتیجه تحقیقات پیرامون این انفجار با کارشکنی های کارفرما مواجه شد. این مانع تراشی ها و نارضایتی کارگران از پائین بودن دستمزدها علت آغاز این اعتصاب بود. خواست کارگران برای افزایش دستمزدها ۱۰٪ و پیشنهاد کارفرما تنها ۶٪ دستمزدهای فعلی می باشد.

اعتصاب معدنچیان معدن الماس Debswana در اوایل ماه سپتامبر و پس از ۲ هفته پایان یافت. این اعتصاب در پی مخالفت کارفرما با خواست کارگران مبنی بر افزایش دستمزدها به میزان ۱۰٪، افزایش حق مسکن و دیگر هزینه های رفاهی آغاز شد و پس از یک روز تمامی کارگران خدمات این معادن هم به اعتصابیون پیوستند. به رغم مبارزه یکپارچه کارگران اما این اعتصاب با پیروزی کامل آنان خاتمه نیافت. کارفرما، که از همان آغاز خط مقابله، تهدید و اخراج اعتصابیون را در پیش گرفته بود، توانست تعدادی از اعتصابیون را اخراج سازد. اخراجی ها شامل بخشی از معدنچیان و تمامی کارگران

خدمات بود. پس از این اقدامات کارگران به سر کارها بازگشتند. همزمان با آغاز کارها، مذاکرات برای رسیدگی به خواست اعتصابیون هم آغاز شد. سرمایه داران اعلام نمودند که دستمزد کارگران در ۲ سال آینده نه به میزان ۱۰٪، که خواست اول کارگران بود، بلکه تنها به میزان ۶٪ افزایش یافته و دیگر هزینه های رفاهی نیز به میزانی بیش از گذشته اما منطبق با میزان تولید کارگران تعیین خواهد شد.

### اعتصاب کارگران خطوط هوایی در ایتالیا

اکنون نوبت به بیش از ۲۰ هزار کارگر و کارمند خطوط هوایی ایتالیا، Alitalia، رسیده است که مزه تلخ اخراج و بی آیندگی را تجربه کنند. روز ۷ سپتامبر مدیریت این شرکت اعلام نمود که خطوط هوایی ایتالیا در آستانه ورشکستگی کامل قرار دارد. راه چاره هم در گام نخست چیز دیگری جز اخراج ۲۵٪ از کارگران و کارمندان این شرکت نیست. گذشته از این، شرکت به دو بخش تقسیم شده و تا حد ممکن باید کارها به بخش خصوصی واگذار شود. بخش این خبر موجی از خشم و اعتراض را در میان خدمه این شرکت دامن زد. گروههای مختلف کاری در این شرکت اعلام نمودند که با این اجحافات کارفرما مقابله خواهند کرد. در حالیکه گروههای مختلف به ارزیابی وضعیت و تعیین شکل مبارزه خود می پردازند، بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران خدمات روی زمین این شرکت، دست به اعتصاب زدند. همزمان با آغاز این اعتصاب، ۷ نفر از کارگران دست به اعتصاب غذای تر زدند. اعتصابیون اعلام نمودند که با تمام اقدامات مدیریت مخالف بوده و راه حل کارفرما، در واقع دفاع تمام عیار از منافع سرمایه داران و انتقال باربحران به دوش کارگران و کارمندان است. نمایندگان مدیریت مذاکرات خود را با گروههای مختلف کاری آغاز نموده و به این ترتیب در تلاشند که صفوف متحد کارگران و کارمندان را به اشکال مختلف تضعیف کنند و از شکل گیری یک اتحاد وسیع در میان خدمه این شرکت جلوگیری نمایند.

### کمک مالی

هامبورگ مازیار ۶۰ یورو

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

این، سانحه‌ی ناشی از کار نیست، قتل عمد است!

## اخباری از ایران

شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود و تمدید نشدن دفترچه بیمه، روز شنبه ۱۵ شهریور دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر شهرداری آبادان، خواستار پرداخت دو ماه حقوق معوقه خود شدند. این کارگران پس از آن که مسئولان شهرداری نسبت به برآورده ساختن مطالباتشان قول مساعد دادند، به تجمع خویش پایان دادند.

### اعتراض به اخراج

پنجشنبه ۱۹ شهریور، ۲۵ تن از کارگران روزمزد پلی تکنیک مسجد سلیمان، نسبت به صدور حکم اخراج خود دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر فرمانداری این شهر، خواستار احقاق حقوق خود شدند. کارفرما دستمزد تیرماه کارگران را نپرداخته و مراد و شهریور را به طور ناقص پرداخته است.

### اعتراض جوانان گتوند

دهه‌تن از جوانان بیکار بخش گتوند خوزستان، دست به اعتراض زدند و بابرپایی تجمع در برابر بخشداری این منطقه خواستار کار و استخدام شدند.

### تداوم اخراج و بیکار سازی کارگران

- مدیران کارخانه نساجی کردستان در صدد اخراج ۱۶۴ کارگر این کارخانه اند که در همین رابطه تقاضایی را نیز به کمیسیون کاریگری استان داری کردستان فرستاده اند. اخراج این کارگران به بهانه تجهیز کارخانه به تکنولوژی جدید صورت می‌گیرد.

- کارگاه آسفالت سازی "شهید با هنر" شهرستان رشت که تحت مالکیت اداره کل راه و ترابری استان گیلان قرار دارد، تعطیل شد و ۵۶ کارگر آن از کار بیکار شدند.

- کارخانه گونی بافی "تیک الیاف" در دیوان دره کردستان، فعالیت خود را متوقف و ۴۰ کارگر را از کار اخراج نمود. کارفرما، به بهانه ورشکستگی این واحد را تعطیل کرده و از پرداخت حق و حقوق کارگران نیز امتناع می‌ورزد.

- به دنبال صدور حکمی از سوی کمیته بحران صنایع نساجی وزارت صنایع ۳۰۰ کارگر پاکریس سمنان اخراج شدند. شایان ذکر است کارگران این شرکت از ۲۲۰۰ نفر در سال ۸۰ به ۱۶۰۰ نفر تقلیل یافت و با اجرای طرح تغییر ساختار بازمه شمار دیگری از کارگران اخراج شدند که در حال حاضر ۷۰۰ کارگر در این کارخانه مشغول به کارند و با اخراج ۳۰۰ نفر دیگر شمار کارگران به ۴۰۰ نفر تقلیل می‌یابد.

- شرکت پیمانکاری "صنایع خزر" که یکی از شرکت های پیمانی و وابسته به ایران خودرو می

صرفه جویی به طور کاملا آگاهانه امکانات کارگر را از همه سو می‌زنند، بدترین شرایط و کار طاقت فرسا را بر کارگر تحمیل می‌کنند و برای افزایش سودهای خود، آشکارا از جان و زندگی کارگر مایه می‌گذارند. بی‌بندوباری مفرط موجود در این زمینه، ایران خودرو و کارگاهها و کارخانه‌ها را به قربانگاه و به برده داری های کوچک و بزرگ اما نیمه مدنی در قرن بیست و یکم تبدیل ساخته است. سرمایه دار نه فقط به هیچ وجه به سلامتی و دوران زندگی کارگر توجهی ندارد، بلکه به قیمت جان صدها کارگر حتا از تامین یک دستگاه ساده ایمنی یا نصب یک دستگاه تهویه مناسب در محیط کار نیز امتناع می‌ورزد. آیا کشتار آگاهانه کارگران به همان درجه خرید و فروش بردگان شرم آور نیست؟

اگر که برخورد سرمایه دار و تولید سرمایه داری به وسائل تولید، ماشین آلات، کار افزار و مصالح تولید، فوق العاده با خست و قناعت توأم است، در عوض به همان نسبت و بسیار بیشتر از آن، نسبت به کار زنده (کارگر) دست و دل باز و اسراف کار است. بی جهت نیست که مارکس می‌گوید "سرمایه داری به مراتب بیش از هر شیوه تولید دیگری تلف کننده جان انسان ها و کارزنده است. نه تنها در مورد گوشت و خون، بلکه نسبت به اعصاب و مغز نیز اسراف کار است."

به راستی وقتی که سرمایه دار کارگر را در شرایط و محیط های نا امن، غیر بهداشتی و آلوده، به کار و میدارد، وقتی که با اضافه کاری شبانه و تحمیل شرایط شاق و دشوار و طولانی کردن زمان کار و به یک اعتبار، کوتاه کردن زمان زندگی کارگر، زمان تولید را برای مدت معینی درازتر می‌کند تا سود بیشتری به جیب بزند، آیا پیشاپیش، مرگ در حین کار، نقص عضو، مرگ زودرس و بیماری کارگر را رقم نزده است؟ این آیا جنایت آشکار و به قتل رساندن عامدانه کارگران نیست؟

از این زاویه را به خوبی ترسیم می‌کند. خبرگزاری کار ایران- ایلنا در این باره می‌نویسد "شرکت بدون این که فضای کارخانه را توسعه و گسترش دهد، باعث شده تا آلودگی هوای ساختمان و محیط های کارخانه از حد استاندارد خود فراتر رفته و موجب به وجود آمدن آلودگی شدید بدنی و صوتی برای کارگران شود که این امر باعث پدید آمدن بیماریهای صعب العلاج برای آنان شده است" این خبرگزاری در عین حال به این مسئله نیز اشاره کرده است که بیش از ۲۵ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه، به بیماری های سرطانی، ریوی، خونی و آسم مبتلا شده اند که بیماری ۲۷ تن از آنها به مرگ منجر شده و بقیه نیز در حال حاضر با بیماری خود در حال دست و پنجه نرم کردن می‌باشند.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ ضابطه و قانونی بر شرایط کار و برای مهار حرص و آرز سرمایه داران موجود نیست. هر سرمایه دار و هر پیمانکاری خودش قانون است و قانون تعیین می‌کند. هر سرمایه دار و هر پیمانکاری هر چقدر که می‌تواند به کارگر زور می‌گوید، کنترل و بازرسی از محیط های کار ولو در همان چارچوب ها و محدوده های جوامع سرمایه داری غربی نیز در کار نیست.

مدیر کل بازرسی وزارت کار رژیم در این زمینه می‌گوید، برای ۹۶۰۴۷۱ کارگاه بیمه شده در سال ۸۲، تنها ۳۰۰ بازرس کار در کل کشور وجود داشته است که ظرف یک سال تنها در ۱۲۶۱۲۳ مورد توانسته اند بازرسی کنند!

صرف نظر از ماهیت بازرسی های وزارت کار و نتایج آن و صرف نظر از ماهیت قوانین حاکم بر کار کارگاهها و کارخانه ها که در نهایت این ها نیز جزئی از یک دستگاه عریض و طویل تری به نام دولت هستند و اقدامات، قضاوت ها و راهجویی هایشان از دایره منافع طبقه حاکم فراتر نمی‌رود، معهذاً همین اعتراضات نشان دهنده این است که در محیط های کار و در کارخانه ها هیچ معیار و ضابطه ای جز معیار و ضابطه ی سرمایه دار و پیمانکار حاکم نیست .

سرمایه دار مخالف هر قانون و ضابطه ای است که بخواهد وی را موظف و مقید به پاره ای مخارج سازد. هر چند این قوانین و ضوابط نیز همواره به گونه ای تنظیم می‌شوند که به آسانی راه تخلف از آن توسط سرمایه داران ممکن و آسان باشد، با این همه، در جمهوری اسلامی حتا از همین چارچوب ها و ضوابط هم خبری نیست! سرمایه داران تحت عنوان کاهش هزینه و

رژیم جمهوری اسلامی را

باید با یک

اعتصاب عمومی سیاسی

و قیام مسلحانه

برانداخت



## "هارتز ۴" (Hartz IV) و معضل بیکاری در کشور آلمان

های سالمندان زندگی می کنند و در حال حاضر کمک دولتی (Sozialhilfe) دریافت می کنند، به جای کمک ناچیز کنونی که ۱۳۳/۲۰ یورو در ماه است، تنها ۸۸/۸۰ یورو دریافت خواهند کرد. این مبلغ حتی برای هزینه ی رفت و آمد، پول مطب دکتر و یا خرید دارو نیز کافی نخواهد بود. در عین حال بسیاری از افرادی که برای دوران پیری خود سرمایه گذاری کرده و دارای بیمه ی بازنشستگی خصوصی هستند، بایستی همانطور که در بالا ذکر شد، این بیمه ها را لغو کنند، تا کمک دولتی شامل حال آنان گردد. قشر دیگر زنان هستند، که بیش از مردان خطر بیکاری آنان را تهدید می کند. زنان در صورت بیکاری، هنگامی که مرد درآمد داشته باشد، به هیچ وجه کمکی دریافت نخواهند کرد. این قانون وابستگی مالی زنان به مردان را افزایش داده و به تحکیم و تشدید روابط مردسالاری خدمت می کند. در صورتی که تنها زندگی کنند، نیز، از آنجایی که کمک بیکاری برای تأمین هزینه های زندگی شان کافی نیست، مجبورند نیروی کار خود را حتا ارزان تر از مردان بفروشند. با وضع قانون جدید، حتی مادران تنهایی که فرزندان خردسال دارند، مجبور به کار خواهند بود. قشر دیگر جوانان هستند، که به ویژه در مورد آنان سخت گیری به عمل خواهد آمد. در حالی که در قانون تصریح شده، تلاش این است که جوانان برای بازار کار آماده گردند، و به طور مثال بایستی از آموزش های حرفه ای برخوردار شوند، با این وجود، واقعیت این است که محل های آموزش حرفه ای از سوی کارخانجات و واحدهای اقتصادی کوچک به ندرت عرضه می شود. بسیاری از سازمان ها و انستیتوهای دولتی که در بخش خدمات درمانی و پرستاری وجود دارند، در حال حاضر در حال اجرای طرح اخراج کارمندان خود، و به کارگیری نیروی کار جوانان (در مقابل پرداخت حقوق یک یورو در ساعت) می باشند. به ویژه در مورد جوانان، در صورت امتناع از پذیرش هر شغلی که به آنان عرضه می شود، کمک بیکاری می تواند فوراً قطع گردد. قشر دیگری که این قانون هستی آنان را تهدید می کند، خارجیانی هستند. طبق قانون جدید "مهاجرت" (Zuwanderungsgesetz) که همزمان با قانون هارتز ۴، از اول ژانویه ی ۲۰۰۵ به اجرا درخواهد آمد، اقامت خارجیانی، وابسته به عدم گرفتن کمک های مالی از دولت می گردد. طبق این قانون حتی کسانی که پناهندگی دریافت کرده اند، برای داشتن اقامت نامحدود، بایستی مستقل از

کمک های دولتی، قادر به تأمین مخارج خود باشند. کسانی که خطر اخراج آنان را تهدید می کند، در صورت گرفتن این کمک ها هر شانس را برای گرفتن اقامت از دست خواهند داد. و دست آخر این کودکان هستند، که همه جا و در تمامی این اقشار در فقر خانواده ی خود سهم می گردند. طبق آمار اتحادیه ی حمایت از کودکان (Kinderschutzbund) ۴۰۰،۰۰۰ کودک در اثر قانون جدید، به ورطه ی فقر سقوط می کنند. بایستی توجه داشت که علیرغم تعاریف اقتصادی، فقر فقط بیانگر درآمد پایین افراد نیست. فقر اقتصادی، عواقب روانی و اجتماعی بسیاری را برای حاملین آن به بار خواهد آورد. به ویژه برای کودکان، فقر به معنای عمیق تر شدن معضلات اجتماعی برای نسلی است که نسل آینده ی جامعه را تشکیل می دهد.

تمامی این اقدامات از سوی دولت به اصطلاح رفاه (سوسیال) آلمان تحت نام مبارزه با بیکاری انجام می گیرد، بدون این که به علل واقعی بیکاری اشاره گردد.

این امر که بیکاری به معضل اجتماعی عمیقی در کشور آلمان تبدیل شده، واقعیتی است. آلمان بیشترین میزان بیکاری را در بین کشورهای اروپایی دارد. طبق آخرین آمار ی که در تاریخ ۱۶ آگوست ۲۰۰۴ از سوی اداره کار این کشور ارائه شد، تعداد بیکاران در حال حاضر ۴،۳۵۹،۰۰۰ نفر است. در عین حال تعداد مشاغلی که برای عرضه به بیکاران وجود دارد، ۲۹۶،۵۸۸ شغل است. به این ترتیب، وضع قانونی که به بیکاران فشار وارد آورد، مشکل بیکاری را حل نمی کند اما آمار بیکاران را کاهش خواهد داد. این کاهش از طریق استخدام افراد در کارهای ساعتی یک یورو، سه ساعت کار در روز و غیره خواهد بود. یعنی آمار بیکاری کاهش می یابد، بدون این که شغلی ایجاد شود و مشکل بیکاری در جامعه حل گردد. بلکه نیروی کار ارزانی در بازار کار عرضه می شود بدون آن که دارندگان این نیروی کار از هیچگونه حقوق و مزایایی برخوردار شوند. در واقع دولت رفاه مبارزه با بیکاری را به مبارزه با بیکاران تبدیل کرده است و بیرحمانه هستی آنان را به مخاطره انداخته است. البته چشمانداز دولت این است که بخشی از این نیروی کار به بازار آزاد کار جذب شوند. چرا که طبق منطق سرمایه داری، عرضه ی بیشتر کالا (در اینجا نیروی کار) در بازار به پایین آمدن نرخ آن منجر شده و در نتیجه خرید کالا برای خریدار سودآورتر می گردد.

اینجاست که این نظریه ی مارکسیستی که دولت ابزار سرکوب طبقاتی است، نمونه ی تاریخی دیگری را عرضه می کند، که شامل دولت های رفاه نیز می شود. این که چرا مبارزه با بیکاران در آلمان سرکوبی طبقاتی

است، در بررسی علل بیکاری در این کشور آشکارتر می گردد.

علل واقعی بیکاری چیست؟ سوالی که دولت از پاسخ به آن امتناع می کند. واقعیت این است که بیکاری در خود نظام سرمایه داری، ریشه دارد و دولت رفاه بورژوازی قادر به حل ریشه ای آن نخواهد بود. یکی از عوامل مهم بیکاری کنونی در این ابعاد آن است که نیاز سرمایه به نیروی کار انسانی به طرز فزاینده ای کاهش یافته است. این امر نتیجه ی پیشرفت های تکنولوژیکی است که ظرفیت تولید را افزایش بخشیده است. این میزان، به طور مثال، از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ در بخش صنعت، ۷۵ درصد است. در طی این دوره، مجموعه ی حجم کار در کل بخش اقتصاد ۳ میلیارد ساعت کمتر شده است. این امر به خودی خود بسیار مثبت است، چرا که برای اولین بار در طول تاریخ بشری این امکان پدید آمده است، که انسان ها برای تولید محصولات مورد نیاز ساعات کمتری کار کنند. کاهش ساعات کار می توانست در نظامی بدون حضور طبقات، به رفاه کل جامعه بیانجامد. حتی اگر در حال حاضر، دولت سوسیال کنونی در آلمان قادر بود، ساعات کار را به حداکثر ۳۰ ساعت در هفته (بدون کم شدن حقوق و مزایا)، تقلیل دهد، در کشور آلمان ۷/۵ میلیون شغل ایجاد شده و مشکل بیکاری لااقل لحظه ای، حل می شد. اما نظام سرمایه داری که دولت حافظ منافع آن است، به جای کاهش ساعات کار و رفاه کل جامعه، با افزایش ساعات کار و یا اخراج های دسته جمعی، سعی در کسب سود بیشتر دارد. دولت رفاه و یا سوسیال، به جای وضع قوانین مالیاتی شدیدتر برای سرمایه داران و مهار بیکاری، سعی در پایین آوردن سطح دستمزدها در کشور آلمان دارد. این یکی از طرح های اقتصادی ای است که در کمیسیون اقتصادی اروپا رسماً مطرح شده و مردم کشورهای اروپای غربی مانند آلمان، شاهد تلاش برای اجرای هر چند هنوز، غیر رسمی آن هستند. یکی دیگر از عوامل بیکاری، خصوصیت سرمایه داری جهانی در عصر نئولیبرالیسم، یعنی سرمایه گذاری مالی، در بخش بازار بورس، است. این امر در عین انباشت سرمایه، به خارج شدن آن از پروسه ی تولید و بیکاری در این بخش منجر شده است. به طور مثال میزان این سرمایه گذاری در کشور آلمان، از ۷،۸۲۱ میلیارد مارک در سال ۱۹۹۱ به میزان ۲۰،۸۸۰ میلیارد مارک در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است. از سویی دیگر با جهانی شدن هر چه بیشتر سرمایه و انتقال بی درد سر (یکی از نتایج پذیرش کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه ی اروپا) تولید به کشورهای غربی که در آن ها سطح دستمزد پایین است، این سود باز هم بیشتر می گردد.

## اخباری از ایران

باشد، نه تنها مزایای قانونی کارگران را پرداخت نمی‌کند، بلکه در برابر اعتراض کارگران، از حقوق کارگران کسر می‌کند و یا به طور کلی آنها را اخراج می‌کند. کارگران این شرکت پس از ۱۰ ماه اشتغال و کسر مبلغ حق بیمه از دستمزدشان، هنوز بیمه نیستند و تعطیلات رسمی را نیز باید کار کنند. اعتراض به این وضعیت، اخراج کارگر و یا کسر حقوق وی به میزان ۱۵ هزار تومان را در پی دارد. ۴۰ تن از کارگران این شرکت، در همین رابطه اخراج شده‌اند.

### چند خبر کوتاه

- ایلنا خبر داد که اتحادیه کارگران قراردادی شهر کرج فعالیت خود را آغاز کرده است. این اتحادیه با همکاری تشکیلات مرکزی خانه کارگر و شعبه آن در کرج تشکیل شده است.

- همین خبرگزاری به نقل از دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان می‌گوید، در حال حاضر ۸۰ در صد کارگاههای قالبیافی کشور که زمانی مرکز عمده تجارت فرش جهان بودند، به حالت تعطیل درآمده و کارگران قالبیاف که فعالیت آنها از جمله مشاغل سخت و زیان آور بود، بی هیچ پشتوانه و تنها به صورت پیمانی مشغول فعالیت می‌باشند.

- قسمتی از سوابق بیمه ای نزدیک به ۴۰ تن از کارگران کارخانه آجرسازی "پرچلا"، در اداره ی تامین اجتماعی شهرستان قرچک، مفقود! شده است. "مفقود" شدن سابقه بیمه کارگران از جمله شگردهای جدیدی است که سرمایه داران و دولت برای پایمالی کردن حق و حقوق کارگران، بدان متوسل می‌شوند.

با این سیستم غول آسا، همبستگی طبقه ی کارگرجهانی خواهد بود، چرا که پاشنه ی آشیل نظام سرمایه داری در تولید و گردش سرمایه قرار دارد. طبقه ی کارگر تنها طبقه ای است که در کنار تمامی اقشار زحمتکش قادر به انداختن تیر نهایی به سوی نظام سرمایه داری خواهد بود.

در جهت این هدف، وظیفه ی انقلابی حکم می‌کند، به اشکال و شیوه های گوناگون به وضع و اجرای این قانون اعتراض کنیم؛ در اعتراضات گوناگونی که در آلمان به این قانون صورت می‌گیرد، شرکت کنیم؛ و بر فعالیت خود در جهت همبستگی بین المللی بیفزاییم زیرا که راز رهایی تنها در همبستگی نهفته است.

(افسانه پوش)

## ادامه اعتراضات در آلمان به

## "هارتز ۴" (Hartz IV) و ...

اتحادیه کارفرمایان و سرمایه داران مدام درخواست های جدیدی را از کارگران مطرح می‌کنند. آنها صحبت از کاهش حداقل یک هفته ای مرخصی سالانه، حداقل ۶ روز کار در هفته، حداقل ۴۰ ساعت کار در هفته، اضافه کاری بدون اضافه دستمزد، کاهش و حتا حذف سهم کارفرما در بیمه های گوناگون کارگران و ... می‌کنند. در این راستا وزیر کار و اقتصاد آلمان از بیکاران می‌خواهد تا برای دریافت یک پول توجیبی به کارهایی با ساعتی ۱ تا ۲ یورو تن دهند. به زعم او، با این کار، ایجاد شغل می‌شود! این سوسیال دمکرات کارگزار سرمایه توضیح نمی‌دهد که چگونه با این شرایط برده داری ایجاد شغل می‌شود. برعکس! کارفرمایان و سرمایه دارن تشویق می‌شوند که کارگران بیشتری را اخراج کرده تا از موهبت نیروی کار، "مادون" ارزان این بردگان بیشتر بهره مند شوند. یک لحظه تصور کنید وضعیت زحمتکشی را که سال ها بیمه بیکاری پرداخته است. سپس سرمایه دار برای کسب سود بیشتر و یا به قول خودش "کاهش هزینه تولید" دست به اخراج او می‌زند. مدتی اداره کار به او حقوق می‌دهد و بعد از چند ماه اداره سوسیال مسئول پرداخت یک مستمری بخور و نمیر به او می‌شود. حال این زحمتکش برای زنده ماندن، به کارهایی با دستمزدی برابر ۱ تا ۲ یورو تن می‌دهد. پس پرداخت سال ها بیمه بیکاری به دولت سرمایه داران به چه منظور بود؟ اگر این یک کلاهبرداری دولتی نیست پس چیست؟ اگر کارگران شاغل متحد با بیکاران جلوی زیاده خواهی سرمایه داران و دولتشان قد علم نکنند، وضع از این هم که هست بدتر خواهد شد.

کارهای یک یورویی صرفه جویی شود). در ضمن طبق قراردادی که بین نخست وزیران آلمان و انگلیس بسته شده (Schröder- Blair- Papier)، این دولت ها تصمیم دارند گروه های ضربتی به نام Battle- Groups ایجاد کنند، که هر یک شامل ۱۵۰۰ گوماندو خواهند بود. با عقد این قرارداد دولت های آلمان، انگلیس و فرانسه، اجازه خواهند داشت، بدون لزوم کسب موافقت از دیگر کشورهای اروپایی، این گروه ها را در خارج از اروپا برای عملیات گوناگون به کار گیرند.

بنابر این، سرکوب به اشکال مختلف ادامه خواهد یافت. تنها اشکال و ابزار بروز و اعمال آن متفاوت خواهد بود. تنها راه مقابله

اما هدف قانون هارتز تحت عنوان مبارزه با بیکاری تنها غارت هستی بیکاران نیست، بلکه نوک حمله به طور مشخص متوجه طبقه ی کارگر است. چرا که از طریق این قانون، بیکاران وادار به حراج نیروی کار خود در بازار کار خواهند شد. ایجاد رقابت و هراس از بیکاری، منجر به عقب نشینی طبقه ی کارگر از دستاوردهایی خواهد بود که در طول تاریخ مبارزات خود به دست آورده است. افزایش ساعات کار، لغو حمایت در برابر اخراج، بستن قراردادهای کاری محدود، حذف مزایا و بسیاری طرح های دیگر، که همزمان با طرح هارتز به اجرا درآمده و یا در آینده اجرا خواهد شد، در صورت نبود آگاهی طبقاتی، از سویی رقابت بین طبقه کارگر را افزایش خواهد داد و در نتیجه به تفرقه و پراکندگی در صفوف آن می‌افزاید و از سویی دیگر زمینه ی رشد گرایش های ناسیونالیستی و نژاد پرستی را مساعد خواهد کرد. کما این که به ویژه در ایالات شرقی آلمان با رشد نئونازیسم مواجه هستیم. این امر در حالی صورت می‌گیرد که بورژوازی از همان آغاز تمامی مرزهای ملی را پشت سر گذارد و اکنون در پی همان سیاست، در دوران گلوبالیزاسیون به سرکوب تمامی موانع موجود بر سر راه حرکت جهانی خود دست می‌زند؛ امری که تنها با وضع قوانین از سوی سازمان جهانی کار، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول صورت نمی‌گیرد. نگاهی به نتایج کنگره ی سوم سیاست های صلح (Der dritte Friedenspolitischen Kongress) در اوایل سپتامبر ۲۰۰۴، در شهر هانور تشکیل شد، به این مفهوم سرکوب، شکلی عینی تر می‌بخشد. در این کنگره از سوی برگزار کنندگان مقایسه ی جالبی بین سیاست های صرفه جویی در سطح ملی در کشور آلمان که هارتز ۴ یکی از نتایج آن است، و سیاست های تسلیحاتی دولت آلمان انجام شد. دولت سوسیال دمکرات آلمان، که ادعای خالی بودن صندوق دولت را کرده و با این بهانه خدمات اجتماعی را از میان برمی‌دارد، به سوی میلیتاریزه شدن در چارچوب اتحادیه ی اروپا پیش رفته و بودجه ی هنگفتی را برای این امر در نظر گرفته است. این بودجه تا سال ۲۰۲۰، سالانه به طور متوسط بالغ بر ۷/۵ میلیارد یورو خواهد بود (از طریق هارتز ۴، قرار است در نتیجه ی کاهش میزان کمک بیکاری، ۶/۳ میلیارد یورو در سال برای دولت صرفه جویی شود). هزینه تعیین شده برای خرید یک زیردریایی از نوع ۲۱۲ آ، ۴۶۰ میلیون یورو است (برابر با حقوق ده هزار سال یک بهیار که قرار است با جایگزینی آن توسط

## ادامه اعتراضات در آلمان به برنامه ارتجاعی هارتز ۴

روز دوشنبه ۳۰ / ۰۸ / ۲۰۰۴ نیز همانند هفته های قبل، بخش های زیادی از زحمتکشان آلمان در ۲۰۲ شهر این کشور برضد برنامه ارتجاعی هارتز-۴ دست به اعتراض زدند و خواهان کنار گذاشتن آن از طرف دولت شدند. بزرگترین مراسم کماکان در بخش های شرقی آلمان، به خصوص در شهر لایپزیک و برلین و بزرگترین مراسم غرب آلمان در شهر دورتموند برگزار شد. متأسفانه در بین برگزارکنندگان تظاهرات برلین اختلافاتی برسر شعارها و چشم اندازها بروز نموده است که باعث مسرت بورژوازی و رسانه های آن شده که به آن دامن می زنند. به همین خاطر دو تظاهرات جداگانه که اولی (فعالین اتحادیه، حزب سوسیالیسم دمکراتیک و گروه "اتک") از مقابل شهرداری مرکزی برلین (معروف به شهرداری سرخ) حدود ساعت ۶ عصر شروع شد و پس از طی مسیر در مقابل دفتر مرکزی حزب سوسیال دمکرات آلمان به پایان رسید. تظاهرات دوم ("کمونیست" های برلین) حدود نیم ساعت بعد در فاصله، ۲۰۰ متری از مراسم اول از میدان الکساندر شروع شد و بعد از طی مسیر فاصله تقریباً ۲۰۰ متری از پایانه مراسم اول ختم شد. در این جا مسئولان این مراسم پس از رأی گیری و با تأکید بر حق ابراز آزادانه نظرات و شعارها، از شرکت کنندگان خواستند برای جلوگیری از دوستگی به مراسم اول بپیوندند و قرار شد این مراسم از دوشنبه آتی مجدداً مشترکاً برگزار شود. در ضمن برگزارکنندگان "تظاهرات دوشنبه ها" در سطح کشوری به توافق رسیدند تا یک مارش سراسری به سمت برلین را سازمان دهند. قرار است تظاهرات عظیمی روز ۲ اکتبر در برلین برگزار شود.

اسکار لافنتین، رهبر سابق حزب سوسیال دمکرات آلمان، به عنوان سخنران اصلی مراسم شهر لایپزیک به یادآوری مواضع مخالف خود در سال های ۱۹۸۹-۱۹۹۰ در مورد اتحاد زود هنگام شرق و غرب آلمان پرداخت. او به درستی اعلام کرد که مشکل فعلی یک مسئله بین مردم شرق و غرب نیست، چیزی که رسانه های بورژوازی ریاکارانه برای انحراف موضوع اصلی به آن دامن می زنند، بلکه مشکل مشترک مردم هر دو بخش آلمان است. این سوسیال دمکرات چپ، در مورد راه حل بحران های موجود نظام سرمایه داری حاکم

از جمله بیکاری مزمن بالای ۵ میلیون نفر، کاهش سطح زندگی بخش های زیادی از مردم، افزایش تعداد افرادی که زیر خط فقر قرار دارند در برابر افزایش تعداد میلیونرها و خلاصه افزایش ناهنجاری های اجتماعی، توضیحی ارائه نداد، بلکه صرفاً به دادن شعار پوپولیستی بسنده کرد. او جریان های مشابهی نمی خواهند و از نظر طبقاتی نیز نمی توانند بپذیرند که دوران راه حل ملی-کینزیایی برای بحران های سرمایه داری مدت هاست سپری شده است. استمرار بیش از دو دهه نئولیبرالیسم و روند هر دم شتابنده جهانی شدن سرمایه داری به این "راه حل های" بورژوازی تیر خلاص زد. دیگر صحبت کردن از این بیراهه ها به عنوان "راه حل" چیزی بیش از یک شوخی بی مزه نیست. او در بخشی از سخنانش از همه خواست تا "سوسیال دمکراسی را پاس بدارند!" بی شک او و امثال وی نگران هرچه بیشتر رادیکال شدن اعتراضات به حق کارگران و زحمتکشان آلمان هستند. هشیاری زیادی لازم است تا این رفرمیست ها جنبش اعتراضی کنونی را به بیراهه نکشانند و سرنوشت آن را وجه المصلحه جنگ قدرت درون حزبی شان نکنند. لازم به تذکر است که اسکار لافنتین و تنی چند از جناح چپ حزب سوسیال دمکرات آلمان همراه با شماری از دست اندرکاران اتحادیه ها از تشکیل یک حزب جدید که به سنت های سوسیال دمکراسی پاینده بوده ولی "چپ تر" از حزب فعلی ست پشتیبانی می کنند. آنها گفتند در صورتی تهدیدشان را عملی خواهند کرد که حزب حاکم سوسیال دمکرات "تصحیحاتی" در برنامه "زفرم ضد اجتماعی" منشور ۲۰۱۰، وارد نکند. برنامه "هارتز ۴" بخشی از این برنامه بزرگ را تشکیل می دهد. این یک برنامه رفرم معمولی نیست بلکه کل دست آوردهای جنبش های اجتماعی به خصوص جنبش کارگری سده قبل را مورد یورش قرار می دهد. به نظر می رسد بخش های زیادی از کارگران شاغل هنوز به ابعاد واقعی این راهزنی سرمایه داران و دولتشان پی نبرده اند. هفته پیش کارفرمایان کارخانه اتومبیل سازی "ایبل" اعلام کردند که قصد دارند همانند کنسرن های "زیمنس"، "دایملر-کرایسلر" و "فولکس واگن" همراه با انجماد دستمزدها، حقوق کارگران را کاهش دهند. این در حالیست که سخنگویان تشکیلات

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان  
K. A. R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

دانمارک  
I. S. F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

سوئد  
M. A. M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

سوئیس  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

فرانسه  
A. A. A  
MBE 265  
23, Rue Lecourbe  
75015 Paris France

کانادا  
K.Z  
P.O.BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A  
6932641 Postbank  
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹  
سازمان فدائیان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲  
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

[info@fedaian-minority.org](mailto:info@fedaian-minority.org)

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):  
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

**KAR**

Organization Of Fedaian (Minority)  
No. 437 september 2004

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی